

## بررسی تاثیر سازوکارهای راهبری شرکتی بر کوتاه بینی مدیریت

محمد علی لطفی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، واحد هریس، دانشگاه آزاد اسلامی، هریس، ایران.  
lotfi\_51@post.ir

شماره ۱۱۳ / بهار ۱۴۰۵ (جلد دوم) صص ۲۵۹-۲۷۰  
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره نهم)

### چکیده

نظام راهبری شرکتی به عنوان مجموعه ای از سازوکارهای کنترلی درون شرکتی و برون شرکتی مطرح می شود که وظیفه برقراری تعادل مناسب میان حقوق صاحبان سهام از یک سو و نیازها و اختیارات هیئت مدیره از سوی دیگر را بر عهده دارد و یک راه حل مناسب برای حل مشکلات نمایندگی است که ممکن است ناشی از تضاد منافع بین مدیران و سهامداران یا ذینفعان ایجاد شود. پژوهش حاضر از لحاظ نتایج اجرا کاربردی بوده و از بعد روش شناسی همبستگی و از لحاظ زمان انجام پژوهش از نوع علی (پس رویدادی) می باشد. نمونه پژوهش حاضر شامل ۱۱۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳ می باشد. برای آزمون فرضیه های پژوهش از رگرسیون چند متغیره با داده های ترکیبی استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها نشان داد که مالکیت نهادی تاثیر منفی بر کوتاه بینی مدیریت داشته اما تمرکز مالکیت تاثیر مثبت بر کوتاه بینی مدیریت دارد. همچنین استقلال هیات مدیره تاثیر بر کوتاه بینی مدیریت ندارد.

**واژگان کلیدی:** راهبری شرکتی، مالکیت نهادی، استقلال هیات مدیره، تمرکز مالکیت، کوتاه بینی مدیریت.

### مقدمه

فروپاشی شرکت های بزرگ از قبیل انرون<sup>۱</sup>، ووردکام<sup>۲</sup> و ... که موجب ایجاد ضرور و زیان بسیاری بر سرمایه گذاران ذینفعان شد و ناشی از سیستم های ضعیف حاکمیت شرکتی در سطح بین المللی بوده است. به دنبال فروپاشی انرون و موارد مشابه دیگر، کشورهای سراسر دنیا سریعاً با حوادث مشابه، واکنش بازدارانه نشان دادند. در آمریکا به عنوان یک واکنش سریع به این فروپاشی ها، لایحه ساربینز آکسلی در جولای ۲۰۰۲ تصویب گردید که (از سال ۲۰۰۴ لازم الاجرا است) و در ژانویه ۲۰۰۳ گزارش های هیگس و اسمیت<sup>۳</sup> در بریتانیا در پاسخ به شکست های حاکمیت شرکتی، انتشار یافتند و در حال حاضر نیز اگرچه در بازار بورس و اوراق بهادار کشور این موضوعات با گذشت بیش از ۲ دهه مطرح می باشند اما اساساً شرکت ها و جامعه بدان آگاهی کامل دارند و نه نسبت به وجود و عدم وجود آن حساسیت دارند که شاید علت این موضوع را باید در جای دیگری در سطح فرهنگ جامعه و بازار سرمایه دنبال نمود. جهانی شدن با پیوند شرکت ها به بازارهای بین المللی و افزایش فضای رقابتی، تجدید ساختار شرکت ها را ضروری کرده است. ادغام شرکت

<sup>1</sup> Enron

<sup>2</sup> World Com

<sup>3</sup> Smith

ها و گسترش بازارهای هدف، از جمله تلاش‌هایی هستند که شرکتها برای ادامه حیات اقتصادی خود به آن متوسل می‌شوند. این شرکت‌ها همچنین برای تامین منابع مالی خود ناگزیر به استفاده از بازارهای سرمایه داخلی و بین‌المللی هستند و در این میان نظام راهبری شرکتی معیاری است که نقشی اساسی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و وام‌دهندگان ایفا می‌کند (مدرس و فعلی، ۱۳۸۷). یکی از دلایل مطرح شدن حاکمیت شرکتی، ازدیاد جرایم و بحران‌های مالی در سطح جهان می‌باشد (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۸۵). حاکمیت شرکتی به حفظ تعادل میان اهداف اجتماعی و اقتصادی و اهداف فردی و جمعی مربوط می‌شود. چارچوب حاکمیت شرکتی برای تقویت استفاده مؤثر از منافع افراد، شرکت‌ها و جامعه می‌باشد. قوت حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی مؤثر است، به نظر می‌رسد که این امر به طور بالقوه بر تصمیمات و قضاوت‌های حساب‌رسان در مراحل مختلف کار حسابرسی نیز اثرگذار است. سیستم حاکمیت شرکتی ضعیف ممکن است موجب سلب اعتماد بازار گردد که به نوبه خود می‌تواند منجر به خروج منابع یا بحران نقدینگی و سقوط قیمت‌ها در بورس شود (پاک مرام و دشتی، ۱۳۹۱). تحقیقات تجربی انجام شده در مورد بحران آسیا نشان می‌دهد کشورهایی که از لحاظ استانداردهای حاکمیت شرکتی به خصوص از نظر حقوق سهامداران اقلیت در سطح پایینی قرار داشته‌اند دچار بیشترین افت نرخ برابری پول و نزول بازارهای سرمایه شده‌اند. بنابراین ایجاد زیرساخت حاکمیت شرکتی می‌تواند گامی در جهت سلامت اقتصاد کشور و حفظ حقوق سهامداران باشد. علاوه بر این فرآیند خصوصی‌سازی یکی از مهمترین مباحث اقتصادی روز در ایران است. به منظور خصوصی‌سازی لازم است که دولت میزان حاکمیت شرکتی را در بخش‌هایی که قبلاً در اختیار دولت بوده است افزایش دهد، چرا که شرکت‌ها برای تأمین سرمایه به بازار متوسل می‌شوند و باید بتوانند از طریق مکانیزم‌های مطلوب حاکمیت شرکتی، اعتماد عموم را جلب نمایند. حاکمیت شرکتی به حفظ تعادل میان اهداف اجتماعی و اقتصادی و اهداف فردی و جمعی مربوط می‌شود. چارچوب حاکمیت شرکتی برای گسترش استفاده مؤثر از منابع و نیز برای پاسخگویی لازم به منظور نظارت بر آن منابع بوده و هدف آن، هم راستا نمودن هر چه بیشتر منافع افراد، شرکت‌ها و جامعه است (سپاسی و کجانی، ۱۳۹۳). در مالی رفتاری، ویژگی‌های رفتاری که بر فرآیند تصمیم‌گیری‌های افراد مؤثرند مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این ویژگی‌ها "تورش‌های رفتاری" نامیده می‌شوند. مطالعات مختلفی در زمینه انواع خطاهای ادراکی و چگونگی تأثیر این خطاها بر تصمیم‌گیری مالی سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی انجام شده و به این نتیجه دست یافته‌اند که تصمیم‌های سرمایه‌گذاران تحت تأثیر چندین خطا قرار می‌گیرد. از شاخص‌ترین پژوهشگران در این حوزه، کانمن و تورسکی بودند که با مطرح نمودن تئوری انتظار به بسط این دانش کمک چشم‌گیری نمودند؛ هم‌چنین اشن ایدر، ویس، بودسکو و توماس پژوهشگرانی بودند که با ارایه‌ی مقالات در زمینه‌ی مالی رفتاری، نقش مهمی در مدیریت مالی ایفا نموده و سهم عظیمی جهت کمک به سرمایه‌گذاران در اتخاذ تصمیم‌های مالی دارند (فلاح پور و عبدالهی، ۱۳۹۰). کوتاه‌بینی یک گرایش رفتاری در مدیران تلقی می‌شود که مدیران در قالب این سوگیری‌ها تمایل بیشتری به برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی عملکرد در دوره‌های جاری دارند و توجه کمتری به دوره‌های بلندمدت شرکت دارند. کوتاه‌بینی شرحی از یک شکل سوگیری یا گرایش است که محدودیتی جدی و مهم برای توجه به گزینه‌ها و پیشنهادها در انتخاب و تصمیم‌گیری ایجاد می‌کند. در حقیقت کوتاه‌بینی به معنای بیش از واقع ارزیابی کردن عایدات کوتاه مدت و کمتر از واقع ارزیابی کردن عایدات بلندمدت توسط سرمایه‌گذاران فعال در بازار است. در حقیقت، در بازارهای فاقد ویژگی کارایی، سرمایه‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان، ارزش شرکت را تنها بر اساس آنچه در گذشته اتفاق افتاده است و یا درآینده نزدیک رخ خواهد داد، تعیین می‌کنند و اهمیت کمتری به توانایی‌های بالقوه شرکت درآینده دورتر قایلند. این مطالعه به بررسی تأثیر سازوکارهای راهبری شرکتی بر کوتاه‌بینی مدیریت می‌پردازد.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در طی دهه اخیر اندیشمندان مالی جهان سعی در تبیین و یافتن علل موارد خاص، با کمک گرفتن از سایر علوم همانند روانشناسی و علوم اجتماعی بوده‌اند. یکی از مطالعاتی که در این زمینه به سرعت گسترش یافت و تا حدودی توانست پدیده‌های مذکور را تبیین نماید، ادغام نظریه‌های اقتصادی با نظریه‌های رایج در روانشناسی بود که موجب شکل‌گیری شاخه مطالعاتی مستقلی در دانش مالی تحت عنوان مالی رفتاری گردید. موضوع مالی رفتاری از دیرباز مورد توجه فعالان اقتصادی قرار داشته است. در دهه‌های اخیر در خصوص رفتار مدیران بر استراتژی‌های شرکت از سوی محققان و دانشگاهیان توجه قابل ملاحظه‌ای شده است. این موضوع جلوه‌ای از مالی رفتاری مدیران در شرکتها است. ریچاردی و سیمون (۲۰۰۰)، نظریه مالی رفتاری را به عنوان حوزه‌ای توصیف می‌کنند که تلاش می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه احساسات و اشتباهات ذهنی سرمایه‌گذاران و مدیران از طریق تصمیم‌گیری‌های مالی بر خودشان تاثیر می‌گذارد. در اصل، تحقیقات مالی رفتاری به مطالعه اثر عامل‌های روانشناختی و اجتماعی بر فعالیتهای مالی، عملکرد حرفه‌ای و تاثیر متعاقب آنها بر بازارهای مالی می‌پردازد (شفرین). مرور ادبیات در حوزه مالی رفتاری نشان می‌دهد که رفتارهای شخصی مدیران برخلاف مشی‌ها و سیاست‌های شرکت تاثیر قابل توجهی می‌گذارند. سوءگیری رفتاری مدیران باعث می‌شود تا عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی بیشتر تشدید شود. کوتاه بینی عبارت است از تمایل مدیران به سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و تغییر مسیر منابع از پروژه‌های باارزش آفرینی در بلندمدت به پروژه‌های کوتاه مدت افزایش قیمت سهام که معمولاً این افزایش ارزش، موقتی است (کاپالو و همکاران، ۲۰۱۷). لوینتال و مارچ (۱۹۹۳)، اصطلاح کوتاه بینی را به عدم پیش بینی یا درک محدود در مورد مسائل تعریف کردند. اندیشمندان این رشته بیان می‌کنند که مالی رفتاری می‌تواند بیان‌کننده علت برخی استثنایهای تجربی موجود در نظریه‌های رایج مالی باشد. زیرا نیروهای مختلفی نظیر ترس و طمع می‌توانند با اثر گذاشتن بر تئوری‌های مالی، موجب نوسانات چشمگیر در بازارهای مالی شوند و افراد در بسیاری از مواقع تحت تاثیر احساساتشان، رفتاری کاملاً متفاوت با منطق اقتصادی از خود نشان دهند. مالی رفتاری به نظریه‌پردازان مالی و اقتصادی گوشزد می‌کند که رفتار انسان را نیز در کنار سایر متغیرها در نظر بگیرند؛ زیرا عواملی همچون شخصیت، فرهنگ و قضاوت‌های انسان بر تصمیمات وی اثرگذار است. به اعتقاد تالر<sup>۱</sup> دیر زمانی نخواهد گذشت که توجه به عامل رفتار انسانی در نظریه‌ها جزء اصول بدیهی خواهد شد. (قالیاف و کردی، ۱۳۹۱). در ایران نیز ساختارهای فرهنگی و اثرگذاری آنها بر رفتارهای فردی و گروهی، به ویژه در حوزه مالی، لزوم شناخت تئوری‌ها و مدل‌های تحلیلی و شناختی مبحث مالی رفتاری را برای فعالان و دست‌اندرکاران بازار اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. تا به حال تعاریف متعدد و گوناگونی درباره مالی رفتاری ارائه شده که گاه شباهت قابل توجهی بین آنها مشاهده نمی‌شود. به عنوان مثال طبق تعریف تالر، گاهی اوقات برای یافتن راه حلی برای یک معمای تجربی مالی لازم است این امکان را در نظر بگیریم که ممکن است در شرایطی برخی افراد در اقتصاد به طور کامل عقلایی رفتار نکنند. (تالر، ۱۹۹۳). به نظر اولسن<sup>۲</sup> (۱۹۹۸)، مالی رفتاری تلاش نمی‌کند که رفتار عقلایی را تعریف کند و یا به تصمیم‌گیری افراد برچسب خطا یا اشتباه بزند. بلکه به دنبال فهم و پیش‌بینی بازارهای مالی مبتنی بر فرایندهای تصمیم‌گیری، با توجه به علم روانشناسی است. فعالیت‌های کوتاه بینانه دارای نتایج موقت مطلوبی هستند و پیامدهای منفی آن در بلندمدت نمایان می‌شود؛ زیرا بازارهای سرمایه قادر به درک صحیح پیامدهای کوتاه بینی در زمان وقوع نیستند. مدیران با نگرش کوتاه بین، زمانی که با سود کمتر از سود مورد انتظار مواجه می‌شوند ممکن است با قطع مخارج تحقیق و توسعه و بازایابی این نقص را به طور موقت مرتفع سازند ولی در بلندمدت این نوع دستکاری‌ها مؤثر نخواهد بود. تاثیر رفتارهای

<sup>1</sup> Thaler

<sup>2</sup> Olsen

کوتاه بینی مدیریتی مانند کاهش هزینه های تحقیق، توسعه و بازاریابی در یک دوره بلندمدت باعث کاهش ارزش شرکت می شود (مرادی و باقری، ۱۳۹۳). چون مدیران ممکن است بر اساس منافع شخصی خود عمل کنند، ضروری است که سهامداران از طریق ایجاد ساز و کارهای مناسب مشکلات ناشی از تضاد منافع را خنثی کنند. قضاوت بی دلیل مربوط به تعریف سوگیری، در تعاریف کوتاه بینی به معنای عدم پیش بینی یا تفکر سطحی تعبیر می شود. تعریف متداول کوتاه بینی و سوگیری حاکی از آن است که کوتاه بینی شکلی از سوگیری پایدار است که در ارتباط با دید افراد و سازمانها به دنیا ثابت شده است (کرنی، ۲۰۰۶). شناخت اشکال مختلف کوتاه بینی می تواند در جلوگیری از انجام رفتارهای کوتاه بینانه مفید واقع شود (مزیک، ۲۰۱۰). لوینتال و مارچ (۱۹۹۳)، اشکال کوتاه بینی را در سه سطح شناسایی کرده اند. با توجه به ویژگی مورد بررسی، مدیران کوتاه بین در این پژوهش مدیرانی را که از منافع بلندمدت به خاطر منافع کوتاه مدت چشم پوشی می کنند را شامل می شود.

سقوط چشمگیر شرکت های غول آسا مانند ورلداکام<sup>۱</sup>، انرون<sup>۲</sup> و گلوبال کراسینگ<sup>۳</sup>، اعتماد نسبت به بازارهای مالی، اطلاعات مالی و همچنین حرفه حسابداری را در سراسر جهان از بین برده است. شکست این شرکت ها، در ذهن سهامداران مختلف نسبت به اعتبار گزارش های مالی و قابلیت اطمینان آنها شک و تردید ایجاد کرده است (پورحیدری، سمیعی نژاد، ۱۳۹۴). به منظور جلوگیری از فرصت طلبی مدیران و همسو کردن منافع طیف های مختلف ذی نفعان، اهمیت حاکمیت شرکتی مطرح شد. ذی نفعان اصلی، مدیریت عامل، سهامداران و هیات مدیره هستند. سایر ذی نفعان، شامل کارمندان، عرضه کنندگان کالا، مشتریان، بانکها و سایر وام دهندگان، قانون گذاران، محیط و بطور کلی، جامعه می باشند (دیانتی دیلمی، ملک محمدی، ۱۳۹۲). حاکمیت شرکتی را می توان مجموعه قوانین، فرایندها، فرهنگ ها و روابطی دانست که بین سهامداران، مدیران و حسابرسان شرکت باید وجود داشته باشد، تا متضمن رعایت همه جانبه حقوق سهامداران جزء، بازدارنده از سوء استفاده های احتمالی و موجب دستیابی به اهداف پاسخ گویی، شفافیت و عدالت و رعایت حقوق ذی نفعان گردد (صفایی و همکاران، ۱۳۹۶). حاکمیت شرکتی شامل مکانیزم هایی است که به وسیله آنها بر عملکرد مدیران نظارت صورت می گیرد. از آنجا که سهامداران اختیار تصمیم گیری در مورد سرمایه خود را به مدیران واگذار می کنند، بنابراین نیاز به مکانیزم هایی دارند که به وسیله آنها اطمینان حاصل کنند که مدیران، حقوق شان را رعایت خواهند کرد. اگر چه شرکت های سهامی به منظور افزایش ثروت و رفاه جوامع به وجود آمده اند، اما باید نظارتی بر حاکمیت آنها وجود داشته باشد تا این شرکت ها از موقعیت خود سوء استفاده نکنند (بادآورنهدی و حشمت، ۱۳۹۷). با پیدایش تئوری نمایندگی و جدایی ناگزیر مدیریت از مالکیت، ضرورت توجه به مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر پیشگیری از سوء استفاده های احتمالی با هدف گزارشگری مطلوب شرکتهای مطابق با شاخص های حاکمیت شرکتی و سیاست های کلی اقتصادی کشور یعنی شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیتها و زمینه های فسادزا در بازار سرمایه و ... را فراهم نموده است (حجازی، مختاری نژاد، ۱۳۹۶). بخشی از تاکید پژوهشها و منابع علمی به رسوایی های شرکتی و فروپاشی شرکتهای بزرگ به دلیل نقش کم رنگ راهبری شرکتی مربوط می شود. در کشور ما در چندسال اخیر کوششهایی برای شناساندن ماهیت نظام راهبری شرکتی و اهمیت آن در بعد نظارت بر بنگاههای اقتصادی صورت پذیرفته است (پورحیدری، همتی، ۱۳۸۳). سازمان بورس اوراق بهادار در راستای بهبود کیفیت گزارشگری مالی تلاشهایی انجام داده است. شاید جدی ترین گام برداشته شده در این راه، مربوط به تصویب دستورالعمل سامانه های کنترل داخلی ناشران پذیرفته شده در بورس و فرابورس در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۱ می باشد. در اواخر سال ۱۳۹۱ سازمان بورس اوراق بهادار، منشور کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی را تصویب کرد تا در عزم خود به سمت استقرار نظام

<sup>1</sup> WorldCom

<sup>2</sup> Enron

<sup>3</sup> Global Crising

راهبری شرکتی، مصمم تر باشد (جامعی، رستمیان، ۱۳۹۵). فعالیت های کوتاه بینانه دارای نتایج موات مطلوبی هستند و پیامدهای منفی آن در بلندمدت نمایان می شود؛ زیرا بازارهای سرمایه قادر به درک صحیح پیامدهای کوتاه بینی در زمان وقوع نیستند. مدیران با نگرش کوتاه بین، زمانی که با سود کمتر از سود مورد انتظار مواجه می شوند ممکن است با قطع مخارج تحقیق و توسعه و بازاریابی این نقص را به طور موقت مرتفع سازند ولی در بلندمدت این نوع دستکاری ها مؤثر نخواهد بود (لهمن، ۲۰۰۴). چون مدیران ممکن است بر اساس منافع شخصی خود عمل کنند، ضروری است که سهامداران از طریق ایجاد سازوکارهای مناسب مشکلات ناشی از تضاد منافع را خنثی کنند. یکی از این سازوکارها حاکمیت شرکتی است. حاکمیت شرکتی مستحکم در شرکت ها، رفتار فرصت طلبانه مدیران را محدودتر کرده و در نتیجه، کیفیت و توان اتکای گزارشگری مالی را بهبود می بخشد (مهرانی و صفرزاده، ۱۳۹۰). حاکمیت شرکتی پیش از هر چیز حیات بنگاه اقتصادی را در بلندمدت هدف قرار می دهد و درصدد است تا از منافع سهامداران در مقابل مدیریت سازمان ها محافظت کند.

### پیشینه پژوهش های خارجی

نگویان و همکاران (۲۰۲۴)، به بررسی حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در بورس ویتنام پرداختند. در این تحقیق داده های مربوط به ۸۰۰ شرکت غیرمالی بورس ویتنام طی سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ مورد بررسی قرار گرفتند. یافته های آنها نشان داد تدوین ضوابط حاکمیت شرکتی قوی موجب کاهش اقدامات فرصت طلبانه مدیریت سود می شود. نوانگ و همکاران (۲۰۲۳)، به بررسی تاثیر خودشیفتگی مدیر عامل، حاکمیت شرکتی، بحران مالی و اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی پرداختند. یافته هانشان داد خودشیفتگی مدیر عامل تأثیر منفی بر اجتناب از مالیات شرکت ها دارد. اندازه هیئت مدیره و مدیران عامل زن تأثیر مثبتی بر این استراتژی داشتند. اما بحران مالی بر این استراتژی تأثیر نمی گذارد. و همچنین اندازه شرکت، احتمال اینکه مدیران آن در اجتناب از مالیات شرکت کنند کمتر است. هسوویانگ (۲۰۲۲)، به بررسی راهبری شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی در طول همه گیری COVID-19 در بورس انگلیس پرداختند. نتایج نشان داد، که کیفیت گزارش های مالی شرکت ها در طول همه گیری نزولی بوده است. به طور خاص، شرکت ها از طریق فعالیت های واقعی در طول همه گیری، بیشتر به مدیریت سود پرداخته اند. همچنین دریافتند که هیئت مدیره بزرگتر منجر به کاهش اثرات منفی کووید-۱۹ بر کیفیت گزارشگری مالی کمک می کند، اگرچه هیچ اثر کاهنده ای (تعدیل کننده) برای استقلال هیئت مدیره و دوغانگی وظایف مدیرعامل پیدا نشد. آگنیهورتری و باتاچاریا (۲۰۲۱)، در پژوهش خود، ارتباط بین خودشیفتگی مدیرعامل و کوتاه بینی مدیریت را بررسی کردند. این مطالعه بیشتر به بررسی اثر واسطه ای اساسی بازارگرایی در این پیوند می پردازد. آنان با استفاده از داده های نمونه ای از ۲۱۰ شرکت هندی از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ نشان دادند که خودشیفتگی مدیرعامل تأثیر مثبتی بر کوتاه بینی مدیریت دارد.

کریسمیاجی و سورفیه (۲۰۲۰)، در پژوهشی که به بررسی ارتباط حاکمیت شرکتی و ارزش اطلاعات حسابداری پرداختند، نشان دادند که افشای استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی و اندازه هیئت مدیره بر روی ارزش اطلاعات حسابداری تأثیر مثبتی دارد.

والد و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۰)، به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی پرداختند. نتایج نشان داد که مسئولیت پذیری هیئت مدیره و کمیته حسابرسی بر عملکرد شرکتها، تأثیر اندکی دارد. به طور مشابه شفافیت و افشاء بر عملکرد شرکتها، تأثیر منفی اندکی دارد. علاوه بر این، نتایج متغیرهای ساختگی کشور نشان می دهد که شرکت های هندی از نظر شیوه

<sup>1</sup> Waleed et al

های حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی عملکرد بهتری نسبت به کشورهای خلیج فارس دارند.

### پیشینه پژوهش‌های داخلی

فره‌مند و همکاران (۱۴۰۴)، به مدل سازی حاکمیت شرکتی در رشد اقتصادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد که شفافیت اطلاعات با ضریب تاثیر ۰/۰۸ در سطح معنی داری یک درصد تاثیر معنادار و مثبت دارد. بنابراین می‌توان گفت که شفافیت اطلاعات به عنوان مولفه ای از حاکمیت شرکتی بر نرخ رشد اقتصادی شرکت‌های پذیرفته شده بورسی تاثیر معناداری دارد.

جامعی و لطفی (۱۴۰۱)، در مطالعه ای به ارزیابی سیستم اطلاعات حسابداری و حاکمیت شرکتی پرداختند. یافته ها نشان می‌دهد که بین سیستم دفترداری، کارایی گزارشگری مالی، استانداردهای حسابداری و کارایی سیستم بودجه بندی و حاکمیت شرکتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

پورحیدری و همکاران (۱۴۰۰)، در تحقیقی به تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی بر محافظه کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش گویای آن بود که اندازه هیئت مدیره تاثیر مثبت و معناداری بر محافظه کاری حسابداری ندارد. استقلال هیئت مدیره، کیفیت حسابرسی و مالکیت مدیریتی تاثیر مثبت و معناداری بر محافظه کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارند. همچنین، نتایج نشان داد مالکیت دولتی و روابط سیاسی تاثیر منفی و معناداری بر محافظه کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارند.

اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی رابطه فساد، حاکمیت شرکتی و نگهداشت وجه نقد پرداختند. یافته ها نشان داد در مناطق با فساد بالاتر سطح وجه نقد نگهداری شده توسط شرکتها کمتر از شرکت‌هایی است که در مناطق با فساد پایینتر فعالیت می‌کنند. علاوه، نتایج بیانگر تاثیر منفی فساد بر نگهداشت وجه نقد شرکتها است، در حالی که استقلال هیئت مدیره و تمرکز مالکیت رابطه معنی داری با نگهداشت وجه نقد ندارند.

امیری و همکاران (۱۳۹۹)، به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین ویژگی‌های رفتاری مدیران و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش حاکی است، که از میان ساز و کارهای انتخاب شده حاکمیت شرکتی؛ استقلال هیئت مدیره، نقش دوگانه مدیر عامل، تمرکز مالکیت و رقابت در بازار محصول بر رابطه بین کوتاه بینی مدیریت و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مؤثر هستند، اما مالکیت نهادی بر رابطه بین کوتاه بینی مدیریت و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مؤثر نیست. همچنین از میان ساز و کارهای انتخاب شده حاکمیت شرکتی؛ استقلال هیئت مدیره، نقش دوگانه مدیر عامل، تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی بر رابطه بین خوش بینی مدیریت و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مؤثر هستند، اما رقابت در بازار محصول بر رابطه بین خوش بینی مدیریت و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مؤثر نیست.

مهربان پور و نوری زاده (۱۳۹۷)، به بررسی ارتباط بین ساختار راهبری شرکتی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ پرداختند. یافته های تحقیق نشان داد که تعداد اعضای هیات مدیره تاثیر معناداری بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه ندارد. در حالی که هریک از شاخص های استقلال اعضای هیات مدیره، اندازه کمیته حسابرسی، عملکرد واحد حسابرسی داخلی و استقلال کمیته حسابرسی تاثیر معکوس بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانه داشتند.

### روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از منظر نتیجه اجرا، از نوع کاربردی، از منظر منطق اجرا (یا نوع استدلال)، از نوع قیاسی استقرایی، از منظر بعد زمانی طولی و از نوع گذشته‌نگر (پس رویدادی)، از نظر هدف اجرا، یک پژوهش تحلیلی (به روش همبستگی) می‌باشد (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۵).

### فرضیه های پژوهش

- ✓ فرضیه اول: مالکیت نهادی بر کوتاه بینی مدیریت تاثیر دارد.
- ✓ فرضیه دوم: استقلال هیات مدیره بر کوتاه بینی مدیریت تاثیر دارد.
- ✓ فرضیه سوم: تمرکز مالکیت بر کوتاه بینی مدیریت تاثیر دارد.

### مدل های پژوهش

برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل های رگرسیونی زیر استفاده شده است:

مدل (۱)

$$Myopia_{it} = \beta_0 + \beta_1 INSOWN_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_0$$

مدل (۲)

$$Myopia_{it} = \beta_0 + \beta_1 InB_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_0$$

مدل (۳)

$$Myopia_{it} = \beta_0 + \beta_1 OC_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_0$$

$Myopia_{it}$ : کوتاه بینی،  $INSOWN_{it}$ : مالکیت نهادی،  $InB_{it}$ : استقلال هیات مدیره،  $OC_{it}$ : تمرکز مالکیت،  $Size_{it}$ :

اندازه شرکت،  $Lev_{it}$ : اهرم مالی،  $ROA_{it}$ : بازده داراییها.

### متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش، کوتاه بینی مدیریت است. انتظار می رود زمانی که شرکت ها به موفقیت مالی چشمگیری دست می یابند، فرصت و منابع لازم برای سرمایه گذاری در دارایی های بلندمدت آینده را به دست آورند. بنابراین شرکت هایی که به طور همزمان بازدهی بیش از حد مورد انتظار را گزارش می کنند، به احتمال زیاد مشمول ویژگی مدیریت کوتاه بینانه (دارای مدیران کوتاه بین) خواهند بود. برای شناسایی و تعیین شرکت های دارای مدیران کوتاه بین ابتدا لازم است سطح مورد انتظار بازده دارایی، هزینه بازاریابی، و هزینه تحقیق و توسعه را برای هر شرکت در هر دوره زمانی برآورد کرد. در این راستا به پیروی از اندرسون و هسایو (۱۹۸۲)، از روابط زیر استفاده می شود:

$$ROA = \beta_0 + \beta_1 ROA_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

$$MKTG_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MKTG_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

$$R\&D_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 R\&D_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

برآورد مقادیر بازده دارایی ها، هزینه بازاریابی و هزینه تحقیق و توسعه با استفاده از الگوهای فوق انجام می گیرد و مقادیر پیش بینی شده حاصل از الگوی با مقادیر واقعی مقایسه شده، سپس با توجه به خطای پیش بینی این سه الگو، شرکت ها در چهار گروه اصلی تقسیم بندی می شوند. نکته قابل توجه اینست که باتوجه به عدم افشای هزینه های تحقیق توسعه تمامی شرکت ها، امکان اجرای مدل در سطح صنعت به دلیل عدم همگن شدن داده ها میسر نمی باشد، لذا مدل برای کل شرکت ها اجرا شد. همانطور که گفته شد، با توجه به خطای پیش بینی این سه معیار، شرکت ها به چهار گروه به ترتیب زیر دسته بندی شدند. در این نگاره، شرکت های حاضر در گروه ۱ به عنوان شرکت های دارای

مدیریت کوتاه بین در نظر گرفته می شوند؛ چرا که با داشتن عملکرد مثبت مالی و افزایش بازده دارایی ها، هزینه های بازاریابی و تحقیق و توسعه شرکت کاهش یافته است. در نتیجه مقدار متغیر کوتاه بینی مدیریت برای این شرکت ها برابر بایک و برای سایر شرکت ها برابر با صفر در نظر گرفته می شود.

**جدول (۱): گروه بندی شرکت ها از منظر بازده دارایی پیش بینی و واقعی**

| گروه ۱                                                               | گروه ۲                                                     | گروه ۳                                                               | گروه ۴                                            |
|----------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------|
| اختلاف مثبت بین بازده دارایی پیش بینی شده و واقعی                    | اختلاف مثبت بین بازده دارایی پیش بینی شده و واقعی          | اختلاف مثبت بین بازده دارایی پیش بینی شده و واقعی                    | اختلاف منفی بین بازده دارایی پیش بینی شده و واقعی |
| اختلاف منفی هزینه های بازاریابی و تحقیق و توسعه پیش بینی شده و واقعی | فقط اختلاف یکی از هزینه های بازاریابی و تحقیق و توسعه منفی | اختلاف مثبت هزینه های بازاریابی و تحقیق و توسعه پیش بینی شده و واقعی | -----                                             |

### متغیر مستقل

متغیر مستقل در این پژوهش، سازوکارهای راهبری شرکتی است که شامل مالکیت نهادی، استقلال هیات مدیره و تمرکز مالکیت می باشد.

مالکیت نهادی (INSOWN): مجموع درصد سهام شرکت که متعلق به مالکان نهادی مطابق بند ۲۷ ماده یک قانون بورس اوراق بهادار می باشد.

استقلال هیات مدیره (InB): عبارت است از نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضا.

تمرکز مالکیت (OC): کنترل مطلق سهامداران عمده بر اداره امور شرکت را تمرکز مالکیت گویند. در این پژوهش، تمرکز مالکیت با استفاده از شاخص هرفیندال - هیرشمن اندازه گیری شده است. هر اندازه این شاخص بیشتر باشد، بیان کننده تمرکز بیشتر و حضور تعداد اندکی سهامدار عمده در ساختار مالکیت شرکت است و برعکس. به دلیل اینکه برخی از شرکت های بررسی شده، میزان مالکیت کمتر از ۵ درصد را در گزارشهای مالی خود افشا نکرده اند.

### متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت در پایان سال.

اهرم مالی (Lev): از تقسیم کل بدهی ها بر کل دارایی ها محاسبه می شود.

بازده داراییها (ROA): برابر است با سودخالص بر جمع داراییهای شرکت.

### جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳ می باشد. برای انتخاب نمونه روش حذف سیستماتیک انتخاب شده و شرایط زیر لحاظ شده است:

۱. سال مالی منتهی به پایان اسفند ماه بوده و در دوره مورد بررسی تغییری در آن ایجاد نشده باشد.

۲. اطلاعات مورد نیاز برای انجام پژوهش در طی دوره زمانی به طور کامل ارائه شده باشد.

۳. قبل از سال ۱۳۹۷ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

۴. جزو شرکت های سرمایه گذاری (هلدینگ) و واسطه گری مالی، بانک ها و بیمه نباشند.

۵. دارای وقفه معاملاتی بیش از سه ماه نباشند.

**جدول (۲): مراحل و نحوه انتخاب شرکت های نمونه**

| شرح | تعداد شرکت |
|-----|------------|
|-----|------------|

|       |     |                                                                               |
|-------|-----|-------------------------------------------------------------------------------|
| ۵۲۸   |     | تعداد کل شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تا پایان سال ۱۴۰۳                     |
|       | ۹۴  | شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، بانک‌ها و واسطه‌گری‌های مالی و مؤسسات تأمین مالی |
|       | ۵۶  | شرکت‌هایی که در طی دوره مورد بررسی (۱۳۹۷-۱۴۰۳) تغییر سال مالی داده‌اند.       |
|       | ۱۰۹ | شرکت‌هایی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه نیست.                     |
|       | ۸۳  | شرکت‌هایی که دارای وقفه معاملاتی بیش از سه ماه باشند.                         |
|       | ۶۷  | شرکت‌هایی که اطلاعات آنها قابل دسترس نبود.                                    |
| (۴۰۹) |     | تعداد کل شرکت‌هایی که حذف شدند.                                               |
| ۱۱۹   |     | نمونه آماری                                                                   |

## یافته‌های پژوهش

### آمار توصیفی

آماره‌های توصیفی پژوهش که شمایی کلی از وضعیت داده‌های پژوهش ارائه می‌کنند، در جداول ۳ ارائه شده است:

#### جدول (۳): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

| آماره<br>متغیر     | میانگین | میان   | انحراف معیار | پیشینه | کمینه  |
|--------------------|---------|--------|--------------|--------|--------|
| کوتاه بینی مدیریت  | ۰/۳۴    | ۰/۲۱   | ۰/۰۴۵        | ۱/۰۰۰  | ۰/۰۰۰  |
| مالکیت نهادی       | ۶۹/۰۵   | ۷۱/۴۶  | ۲۰/۱۹        | ۹۸/۱۲  | ۰/۰۰۰  |
| استقلال هیات مدیره | ۰/۶۴    | ۰/۵۸   | ۰/۱۸         | ۱/۰۰۰  | ۰/۰۰۰  |
| تمرکز مالکیت       | ۰/۳۶    | ۰/۳۲   | ۰/۲۱         | ۹۹/۰۴  | ۰/۰۰۰  |
| اهرم مالی          | ۰/۶۱۲   | ۰/۶۴۵  | ۰/۱۹         | ۱/۵۳   | ۰/۰۸۶  |
| اندازه شرکت        | ۱۴/۰۲۷  | ۱۳/۹۸۱ | ۱/۳۸۶        | ۱۹/۱۴۳ | ۱۰/۵۴۸ |
| بازده داراییها     | ۰/۰۸۳   | ۰/۰۶۵  | ۰/۱۳۷        | ۰/۵۴۶  | -۰/۵۷۹ |

با توجه به جدول ۳، میانگین که اصلی‌ترین شاخص مرکزی و نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است، شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال مقدار میانگین برای متغیرهای کنترل اهرم مالی، اندازه شرکت و بازده داراییها به ترتیب برابر ۰/۶۱۲، ۱۴/۰۲۷ و ۰/۰۸۳ است.

## نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

**فرضیه اول:** مالکیت نهادی بر کوتاه بینی مدیریت تاثیر دارد.

#### جدول (۴): نتیجه آزمون مدل

| Myopiat = $\beta_0 + \beta_1 \text{INSOWN}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{Lev}_{it} + \beta_4 \text{ROA}_{it} + \varepsilon_{it}$ |        |        |                |         |              |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------|--------|----------------|---------|--------------|
| متغیر وابسته: کوتاه بینی مدیریت                                                                                                                    |        |        |                |         |              |
| متغیر                                                                                                                                              | نماد   | ضرایب  | خطای استاندارد | آماره Z | سطح معناداری |
| مالکیت نهادی                                                                                                                                       | INSOWN | -۰.۵۶۷ | ۰.۳۸۹          | ۲.۵۱۸   | ۰.۰۱۴        |
| اندازه شرکت                                                                                                                                        | size   | -۰.۲۳۱ | ۰.۰۶۱۳         | -۲.۴۷   | ۰.۰۶۳        |
| اهرم مالی                                                                                                                                          | lev    | ۲.۲۳۶  | ۰.۳۶۷          | ۶.۲۹    | ۰.۰۵۷        |
| بازده داراییها                                                                                                                                     | ROA    | ۲.۸۴۱  | ۰.۴۶۵          | ۳.۰۷    | ۰.۰۱۸        |
| عرض از مبدا                                                                                                                                        |        | ۱.۳۰۶  | ۰.۰۸۱۱         | ۱.۸۶    | ۰.۰۰۴۲       |

نتایج جدول ۴، نشان می‌دهد که متغیر مالکیت نهادی (۰.۰۱۴) دارای سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد است و ضریب

آن (۰.۵۶۷-) عددی منفی است بنابراین مالکیت نهادی بر کوتاه بینی مدیریت تاثیر منفی و معناداری دارد. لذا فرضیه اول پژوهش مورد پذیرش قرار می گیرد. به عبارت دیگر، در شرکت هایی که مالکیت نهادی بیشتر باشد، کوتاه بینی مدیریت کمتر خواهد بود.

**فرضیه دوم:** استقلال هیات مدیره بر کوتاه بینی مدیریت تاثیر دارد.

**جدول (۵): نتیجه آزمون مدل**

| Myopia <sub>it</sub> = β <sub>0</sub> + β <sub>1</sub> InB <sub>it</sub> + β <sub>2</sub> Size <sub>it</sub> + β <sub>3</sub> Lev <sub>it</sub> + β <sub>4</sub> ROA <sub>it</sub> + ε <sub>0</sub> |      |        |                |         |              |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|--------|----------------|---------|--------------|
| متغیر وابسته: کوتاه بینی مدیریت                                                                                                                                                                     |      |        |                |         |              |
| متغیر                                                                                                                                                                                               | نماد | ضرایب  | خطای استاندارد | آماره Z | سطح معناداری |
| استقلال هیات مدیره                                                                                                                                                                                  | InB  | -۰.۶۳۹ | ۰.۴۰۵          | ۲.۲۱۳   | ۰.۰۸۴        |
| اندازه شرکت                                                                                                                                                                                         | size | -۰.۳۶۷ | ۰.۰۵۱۷         | -۲.۵۲   | ۰.۰۷۱        |
| اهرم مالی                                                                                                                                                                                           | lev  | ۲.۳۷۴  | ۰.۴۷۱          | ۵.۸۸    | ۰.۰۰۱        |
| بازده داراییها                                                                                                                                                                                      | ROA  | ۲.۹۰۸  | ۰.۵۴۶          | ۲.۱۹    | ۰.۰۱۲        |
| عرض از مبدأ                                                                                                                                                                                         |      | ۱.۲۱۵  | ۰.۰۷۷۸         | ۱.۴۴    | ۰.۰۰۳۹       |

نتایج جدول ۵، نشان می دهد که متغیر استقلال هیات مدیره (۰.۰۸۴) دارای سطح معنی داری بیشتر از ۵ درصد است بنابراین استقلال هیات مدیره بر کوتاه بینی مدیریت تاثیری ندارد. لذا فرضیه دوم پژوهش مورد پذیرش قرار نمی گیرد.

**فرضیه سوم:** تمرکز مالکیت بر کوتاه بینی مدیریت تاثیر دارد.

**جدول (۶): نتیجه آزمون مدل**

| Myopia <sub>it</sub> = β <sub>0</sub> + β <sub>1</sub> OC <sub>it</sub> + β <sub>2</sub> Size <sub>it</sub> + β <sub>3</sub> Lev <sub>it</sub> + β <sub>4</sub> ROA <sub>it</sub> + ε <sub>0</sub> |      |        |                |         |              |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|--------|----------------|---------|--------------|
| متغیر وابسته: کوتاه بینی مدیریت                                                                                                                                                                    |      |        |                |         |              |
| متغیر                                                                                                                                                                                              | نماد | ضرایب  | خطای استاندارد | آماره Z | سطح معناداری |
| تمرکز مالکیت                                                                                                                                                                                       | OC   | ۰.۶۵۴  | ۰.۴۱۶          | ۲.۳۴۵   | ۰.۰۰۳        |
| اندازه شرکت                                                                                                                                                                                        | size | -۰.۴۱۲ | ۰.۰۶۴۱         | -۲.۲۳   | ۰.۰۷۶        |
| اهرم مالی                                                                                                                                                                                          | lev  | ۲.۸۵۲  | ۰.۵۶۹          | ۸.۳۹    | ۰.۰۵۲        |
| بازده داراییها                                                                                                                                                                                     | ROA  | ۲.۷۴۶  | ۰.۵۸۲          | ۳.۵۷    | ۰.۰۲۴        |
| عرض از مبدأ                                                                                                                                                                                        |      | ۱.۴۵۰  | ۰.۰۷۷۸         | ۱.۹۲    | ۰.۰۰۵۳       |

نتایج جدول ۶، نشان می دهد که متغیر تمرکز مالکیت (۰.۰۰۳) دارای سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد است و ضریب آن (۰.۶۵۴) عددی مثبت است بنابراین تمرکز مالکیت بر کوتاه بینی مدیریت تاثیر مثبت و معناداری دارد. لذا فرضیه سوم پژوهش مورد پذیرش قرار می گیرد. به عبارت دیگر، در شرکت هایی که تمرکز مالکیت بیشتر باشد، کوتاه بینی مدیریت بیشتر خواهد بود.

## بحث و نتیجه گیری

در اهمیت نظام راهبری شرکتی برای موفقیت شرکت ها و رفاه اجتماعی شکی نیست. یکی از راه حل های کنترل انحرافات مشاهده شده در شرکت ها، استقرار سازوکارهای مناسب نظام راهبری شرکتی است. رفتار و تصمیم گیری مدیران غیرمنطقی، چالشی بزرگ در ادبیات نظام راهبری شرکتی است. سازوکارهای موجود، با شناسایی دیدگاه کوتاه بینانه مدیران و میزان آن، باید به سمت کنترل این سوگیری رفتاری متمایل گردد و اثرات بالقوه آن بر راهبرد شرکت را محدود سازد. نتایج حاصل از فرضیه های اول و سوم پژوهش نشان داد که مالکیت نهادی تاثیر منفی و تمرکز مالکیت تاثیر مثبت بر کوتاه بینی مدیریت دارند. همچنین نتایج فرضیه دوم نشان داد که استقلال هیات مدیره تاثیری بر کوتاه بینی

مدیریت ندارد. به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می شود که در تدوین سازوکارهای نظام راهبری شرکتی، بعد جدیدی در ارتباط با ویژگی های رفتاری مدیران را ادغام و منظور نماید. به سرمایه گذاران و اعتباردهندگان پیشنهاد می شود با بررسی عملکرد مدیران شرکت، وجود کوتاه بینی و دیگر سوگیری های رفتاری مدیران را شناسایی کنند. همچنین شرکت ها برای کنترل بیشتر و نظارت موثرتر بر عملکرد مدیران در جهت استقرار نظام راهبری که بتواند دیدگاه کوتاه بینانه مدیریت و پیامدهای تصمیمات اتخاذ شده ناشی از آن را تشخیص دهد، باید تلاش بیشتری نمایند؛ بنابراین، نظام راهبری شرکتی به منظور بسط اهداف خود و کنترل وجود و سطح کوتاه بینی مدیران نیاز به بازبینی دارد. با توجه به نتایج پژوهش و وجود رابطه بین عناصر راهبری شرکتی و کوتاه بینی مدیریت، پس هر چه قدر رفتار مدیریت در چارچوب قواعد از پیش تعیین شده باشد و این قواعد منافع تمام گروه های درون سازمانی و برون سازمانی را در نظر گرفته باشد، فرصت اینکه مدیریت بیشتر منافع خود را لحاظ کند از آن گرفته خواهد شد یا لااقل می توان تا حدودی انتظار داشت این گونه تصمیمات به مرز حداقل برسد. لذا، به اعتباردهندگان و سرمایه گذاران در واحدهای اقتصادی توصیه می- شود در انتخاب واحدهای سرمایه گذاری بر لزوم اجرایی شدن نظام راهبری شرکت ها در بالاترین سطح توجه کنند. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می شود تاثیر سازوکارهای راهبری شرکتی را بر سایر سویه های رفتاری مدیران همچون خودشیفتگی، خوش بینی و... مورد بررسی قرار دهند.

## منابع

- ✓ اسماعیلی، امیرمحمد، نصراللهی، زهرا، عارف منش، زهره، (۱۴۰۰). بررسی رابطه فساد، حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت، فصلنامه مدل سازی اقتصاد سنجی، سال ۶، شماره اول (پیاپی ۲۰)، صص ۳۳-۵۵.
- ✓ بادآورنهدی، یونس، حشمت، نساء، (۱۳۹۷)، اثر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین توانایی مدیران و ایجاد ارزش برای سهامداران، حسابداری مدیریت، سال ۱۱، شماره ۳۸، صص ۹۳-۱۰۸.
- ✓ بنی مهد، بهمن، عربی، مهدی، حسن پور، شیوا، (۱۳۹۵)، پژوهش های تجربی و روش شناسی در حسابداری، تهران: انتشارات ترمه، صص ۲۴-۱۲.
- ✓ پاک مرام، عسگر، دشتی، جعفر، (۱۳۹۱)، حاکمیت شرکتی و هیئت مدیره، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، چاپ اول.
- ✓ پورحیدری، امید، سمیعی نژاد، نفیسه، (۱۳۹۴)، بررسی تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر گزارشگری مالی، پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی، سال ۴، شماره ۶، صص ۵۳-۸۰.
- ✓ پورحیدری، امید، همتی، داود، (۱۳۸۳)، بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه های سیاسی، طرح های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، سال ۱۱، شماره ۳۶، صص ۴۷-۶۳.
- ✓ پورحیدری، امید، کیانی، علی، بیاتی، فرید، (۱۴۰۰)، تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی بر محافظه کاری حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های مالی و رفتاری در حسابداری، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۰۰-۱۲۲.
- ✓ جامعی، رضا، رستمیان، آزاده، (۱۳۹۵)، تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگیهای سود پیش بینی شده، پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۸، شماره ۲۹، صص ۱-۱۷.
- ✓ جامعی، رضا، لطفی، آرزو، (۱۴۰۱)، سیستم اطلاعات حسابداری و حاکمیت شرکتی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۱، صص ۵-۲۲.

- ✓ حجازی، رضوان، مختاری نژاد، حمیدرضا، (۱۳۹۶)، رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبان، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال ۲، شماره ۳، صص ۳۳-۶۰.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، سلیمی، (۱۳۹۰)، مدلی برای رتبه بندی حاکمیت شرکتی در ایران، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۶، شماره ۳۰، صص ۱-۱۸.
- ✓ دیانتی دیلمی، زهرا، ملک محمدی، هادی، (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر ویژگیهای نظام راهبری شرکت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکتها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابداری، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۱۵۱-۱۷۰.
- ✓ صفایی، محمد، محمودی درویشانی، بابک، عباسی، ابراهیم، (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال ۶، شماره ۲۳، صص ۱۳۱-۱۴۳.
- ✓ فرهمند، اسماعیل، یزدانیان، نرگس، شاهوردیانی، شادی، (۱۴۰۴)، مدل سازی حاکمیت شرکتی در رشد اقتصادی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۲۳۰-۲۰۹.
- ✓ مرادی، جواد، باقری، هادی، (۱۳۹۳)، تاثیر کوتاه بینی مدیریت و مدیریت سود بر بازده سهام، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۲۵۰-۲۹۹.
- ✓ مهرانی، کاوه، صفرزاده، محمدحسین، (۱۳۹۰)، تبیین ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود با رویکرد بومی، دانش حسابداری، دوره ۲، شماره ۷، صص ۶۹-۹۸.
- ✓ Agnihotria, A; Bhattacharya, S. (2021). CEO narcissism and myopic management, *Industrial Marketing Management*, 7(3):145-158.
- Kern, D.A. (2006). A matter of strategic mis-fit: Management myopia and value, Ph.D dissertation. Oklahoma State University.
- ✓ Krismiaji, K., & Surifah, S. (2020). Corporate governance, compliance level of IFRS disclosure and value relevance of accounting information-Indonesian evidence. *Journal of International Studies*, 13(2).
- Lehman, D.R. (2004). Matrice for making marketing matter. *Journal of Marketing*, 64(4), 73-75.
- ✓ Nawang ,K., Muhamad ,T , Lia ,U, Dadan, R.(2023). CEO narcissism, corporate governance, financial distress, and company size on corporate tax avoidance, *ACCOUNTING, CORPORATE GOVERNANCE & BUSINESS ETHICS | RESEARCH ARTICLE*, 23), 10: 2167550 <https://doi.org/10.1080/23311975.2023.2167550>.1-22.
- ✓ Nguyen, Q., Kim, M. H., & Ali, S. (2024). Corporate governance and earnings management: Evidence from Vietnamese listed firms. *International Review of Economics & Finance*, 89, 775-801. <https://doi.org/10.1016/j.iref.2023.07.084>.
- ✓ Ridge, W.J., & D., Kern, & A. , M. White. (2014). The influence of managerial myopia on firm strategy. *Management Decision*, 52(3), 602-623.
- Shefrin, H. (2007). *Behavioral corporate finance: Decisions that create value*. McGraw Hill Irwin, New York.